



این راه به شهادت رسیده و جانش را فدا کرده است. آنها که مثل خیلی از دیگر افراد مرخصی نگرفتند یا مهاجرت نکردند و در خط مقدم ایستادند هم شهید هستند.

همه شهدا مظلوم هستند، حتی شهدایی مثل شهید حججی و حاج قاسم سلیمانی که به عالی‌ترین شکل تشییع شدند.

اینکه در دیوار نوشته‌ها می‌بینیم نوشته‌اند شهدا را یاد کنید ولو با ذکر یک صلوات به این معناست که هر کس در هر جایگاه اجتماعی و فردی که دارد، بایستی شهدا را یاد کند و بداند که هر آنچه امروز برای ما باقی مانده است، به لطف خون این شهداست. این یاد شهدا که رهبری نام آن را جهاد تبیین اعلام کردند، یعنی هر کس در هر جایگاهی بداند که چقدر به خون شهدا مدیون است.

در جهاد تبیین من به عنوان یک خبرنگار و کسی که با شهدا بوده است، وظیفه خود می‌بینم که شهر به شهر، استان به استان و روستا به روستا بروم و در هر یادواره‌ای از شهید و شهادت بگویم، برای اینکه بتوانم سهم خود را ادا کنم. مسئولان ما، چه مدیران ارشد و چه مدیران میانی و دیگر مسئولان در هر جایگاهی که هستند، هر تصمیمی می‌خواهند بگیرند به جای اینکه اول از همه به خودشان نگاه کنند، به حق مردم نگاه کنند و خون شهدا را میان تصمیمات و اعمال خود با مردم ببینند. ببینند و بدانند که برای هر صندلی مدیریت در این مملکت ۷۲ نفر شهید شده‌اند. اگر به این فکر کنند که روی چه خون‌هایی نشسته‌اند، طبیعتاً درست حرف می‌زنند و درست تصمیم می‌گیرند، غرور و منیت نخواهند داشت و جناحی رفتار نمی‌کنند و بینی و بین‌الله صد درصد افکار و توان خود را برای مردم و این مملکت خرج می‌کنند. اگر خون شهدا را در نظر بگیرند دیگر برای خوشامد این و آن و حفظ میز پا روی حق نمی‌گذارند و حق را بیان می‌کنند، حتی اگر به ضررشان باشد. در حدیثی می‌خوانم که آن کسی که به دنبال حق نمی‌رود، حتی باید به ایمانش شک کرد، حال شاید این فرد خیلی ظاهر علیه‌السلامی هم داشته باشد.

نمونه افرادی که هیچگاه پا روی حق نگذاشت، شهید حاج قاسم سلیمانی بود و دیدیم که در تشییع پیکر او از هر قشر و هر فکری حضور داشتند. هستند افرادی که هنوز هم بجز حاج قاسم هیچ‌کس را قبول ندارند و هنوز می‌گویند که حاج قاسم منحصر به فرد بود. در تشییع پیکر حاج قاسم عزیز من چهره‌هایی را دیدم و با کسانی حرف زدم که می‌گفتند در تمام ۴۰ سال گذشته در هیچ مناسبتی و به هیچ عنوان با حرف هیچ‌کس به خیابان نیامده‌اند، اما امروز برای بدرقه این مرد نتوانستند در خانه بنشینند و احساس وظیفه کردند و آمدند. پنجشنبه‌ها سری به قطعه شهدا در بهشت زهرا بزنید تا ببینید چه افراد و با چه ظاهری با شهدا انس گرفته‌اند. اینطور نیست که یک قشر از جامعه بایند، بلکه همه اقشار مختلف جامعه با هر پوشش و طرز فکری با این شهدا مأنوس هستند و بر سر مزار شهدا راز و نیاز می‌کنند که خیلی ما تا به حال در عمرمان تجربه نکرده‌ایم. این حس یک حس درونی است که با شهدا دارند زیرا اکثر مردم ما قدر دان هستند.

باید جهاد تبیین را جدی بگیریم تا در آینده حرفی برای نسل‌های بعد نداشته باشیم که اگر کسی پرسید این شهدا برای چه رفتند، بتوانیم به درستی پاسخ آنها را بدهیم. بایستی تا نفس در سینه داریم در این راه گام برداریم و اگر کوتاهی کنیم عملاً جفا کرده‌ایم و باید برویم جوابگوی شهدا باشیم که تو دیدی ما چه کردیم، اما حرفی نزدی و سخنی نگفتی. امیدواریم که حداقل روزی یکی از این شهدا از یک گوشه‌ای دست ما را بگیرد و شفیع ما باشد.

۹۹

حسن شمشادی:

باید جهاد تبیین را جدی بگیریم تا برای آیندگان پاسخ مناسب داشته باشیم



احمد رضامعراجی

با حسن شمشادی خبرنگار پیشین صدا و سیما که خود سابقه حضور در جنگ را دارد پیرامون دغدغه‌هایش در فضای رسانه و جنگ در آوردگاه جهاد تبیین گفت‌وگو کردیم.

یکی هستند، اما تمام این عزیزان شهید هستند و نزد خداوند روزی می‌خورند. من و شما درباره جایگاه این شهدا نمی‌توانیم نظری بدهیم، جایگاه و مقام این جان‌برکفان را خداوند تعیین می‌کند.

وطن پرستی که مبتنی بر دین باشد، وطن پرستی که مبتنی بر نگاه الهی باشد، وطن پرستی که مبتنی بر تثبیت عاشورا و قیام عاشورا و پیام عاشورا باشد، بسیار با ارزش است و هر آن کس که در این راه کشته می‌شود را بایستی شهید نامید. حالا یک درجه دیگری هم هست که کنار این شهدا قرار می‌گیرند؛ افرادی که به انقلاب و اسلام دل بستگی ندارند، اما برای مردم و در راه کشور ایثار کرده و کشته شده‌اند؛ آنها هم شهید محسوب می‌شوند. آتش نشانان عزیزی که در پلاسکو شهید شدند و یا پرستار و پزشکی که برای نجات جان یک هموطن جان خود را از دست می‌دهد هم در

ابتدا باید بدانیم که اصلاً شهید یعنی چه و چه کسی را می‌توان شهید نامید. آن چیزی که به ذهن من می‌رسد و برداشت من از کلمه شهید است این است که هر آن کسی که در راه اعتقاد و باورش که نشأت گرفته از قیام عاشورا از صدر اسلام تاکنون در راه حق قدم گذاشته است، شهید محسوب می‌شود. شاید بگویید کسی که در صدر اسلام شهید شده و فردی که در روز عاشورا به شهادت رسیده یا رزمندگان ما در دفاع مقدس، هر کدام در راهی قدم گذاشته و شهید شده‌اند، اما باید بدانیم که هدف همه این شهدا رسیدن به خدا و قیام در راه خدا بوده است. تمام این شهدا که برای اسلام، احیای حق، پایدار شدن دین خدا و برای پایدار شدن اهل بیت به شهادت رسیده‌اند، یک پرونده واحد دارند و این بدان معنا نیست که همه شهدا از لحاظ جایگاه

من از نوجوانی و جوانی با بچه‌های بسیج و جبهه و جنگ آشنایی دارم و خودم در عملیات بیت‌المقدس ۲ افتخار حضور داشتم. طی سال‌ها دوستی با رزمندگان و افرادی که در جبهه‌های جنگ و انقلاب و نبرد حق علیه باطل در لبنان، عراق و سوریه داشته‌ام، وجه مشترک تمام این افراد را در بصیرتشان دیدم. چه رزمندگان ما در دفاع مقدس و چه مدافعان حرم می‌دانستند که به فرمان چه کسی و برای چه به میدان مبارزه آمده‌اند. خیلی از این شهدا شاید حتی تحصیلات خواندن و نوشتن نداشتند و کشاورز بودند که از روستای خود و به فرمان امام در میدان دفاع حاضر شده بودند، اما بصیرت خاصی داشتند و می‌دانستند که از حضور در جبهه چه می‌خواهند.

بحث مدافعان حرم تا حدودی با رزمندگان دفاع مقدس متفاوت است. در زمان جنگ تحمیلی می‌گفتند بحث دفاع از کشور است، امام دستور داده و جنگیدن با بعثی‌ها واجب کفایی است، اما در بحث مدافعان حرم همه‌ای علیه این شهدا بود که برای دفاع از کشور نرفته‌اند و صحبت‌هایی که می‌شد باعث آزرده خاطر شدن مدافعان حرم شده بود. در زمان جنگ تحمیلی هم فشار رسانه‌ای بود اما تا این حد همه وجود نداشت و این همه فضا سازی رسانه‌ای علیه رزمندگان انجام نمی‌شد. در زمان جنگ تحمیلی هم عده‌ای به رزمندگان خرده می‌گرفتند که اینها به جبهه رفته‌اند تا حق و حقوق بگیرند، اما این حرف‌ها در جنگ عراق و سوریه علیه داعش چند صد برابر شد. اینجا مدافعان حرم بصیرت داشتند که نتوانستند زن و بچه را رها کرده و در ۱۴۰۰ کیلومتر آن طرف‌تر و در شهر و کشوری غریب جلوی دشمنانی که از نظر ردالت قابل مقایسه با دوران دفاع مقدس و بعثی‌ها نبودند، بایستند.

مجاهدت و جنگیدن برای اعتقاد و باور بسیار ارزشمند است و بصیرت بیشتری طلب می‌کند. حال عده‌ای بودند که می‌خواستند این بچه‌ها را از رزمندگان دفاع مقدس جدا کنند، باید عرض کنم بسیاری از بچه‌هایی که در عراق و سوریه حضور داشتند و شهید شدند، بچه‌های دفاع مقدس یا بسیجیان و پاسداران آن دوران بودند و بیشتر عمر خود را در عملیات مختلف حضور داشتند. خیلی از این افراد در دفاع مقدس جانباز شده بودند و در سوریه و عراق شهید شدند. در کنار این رزمندگان که بازمانده‌های دفاع مقدس بودند، جوانان و نوجوانان دهه ۷۰ و ۸۰ بودند که در سوریه با داعش می‌جنگیدند و خیلی از این بچه‌ها شهید شدند.

می‌خواهم بگویم با اینکه ۳۵ سال از دفاع مقدس گذشته است، اما جبهه و جنگ باز هم قصه خود را دارد و افرادی برای دفاع از امنیت کشور و به فرمان رهبری همه تهمت‌ها را به جان خریدند تا به ایران اسلامی آسیبی نرسد. شهید حاج قاسم سلیمانی درباره جنگ در سوریه و عراق صحبت‌های بسیاری داشتند، اما فصل الخطاب تمام صحبت‌هایشان وصیت‌نامه این سردار بزرگوار بود که فرموده بودند، امروز جمهوری اسلامی ایران حرم است. یعنی وقتی می‌گویم مدافع حرم این مدافع حرم عملاً برای جمهوری اسلامی ایران و در راه کشور شهید شده است. برای این حرم تاکنون شهدای زیادی خون خود را هدیه کرده‌اند، از شهدای انقلاب گرفته تا شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم، شهدای امنیت و مرزبانان، شهدای هسته‌ای و شهدای سلامت که این روزها در خط اول جبهه مبارزه با بیماری کرونا هستند، برای این حرم یعنی ایران اسلامی جان خود را فدا کرده‌اند. اگر کسی می‌خواهد این شهدا را از یکدیگر جدا کند قطعا عنادی داشته و با کشور مشکل دارد.